

Shireen T. Hunter, *Islam in Russia, The Politics of Identity and Security*, (New York: M.E. Sharpe: 2004), pp.566.

تعیین مبداء زمان دقیقی برای ظهور اسلام در روسیه دشوار است، زیرا سرزمینهایی که اسلام در جریان گسترش خود در آنها نضج می‌گرفت، در آن زمان بخشی از روسیه محسوب نمی‌شدند ولی بعدها با توسعه امپراتوری روسیه در زمره آن قرار گرفتند. با این حال، کنش و واکنش قهرآمیز و یا صلح‌آمیز میان روسیه و مسلمین به حدود قرن دهم باز می‌گردد، یعنی زمانی که روس‌ها حملاتی را به ناحیه جنوبی قفقاز انجام داده و طی سالهای ۴۴-۹۴۲ تعدادی از شهرهای پُرونق مسلمانان را در آن ناحیه ویران ساختند. تحولات قرن سیزدهم و پذیرش اسلام از سوی ازبک خان در اوایل قرن چهاردهم در شکل‌گیری ذهنیت روس‌ها از اسلام و مسلمانان تأثیر بسزایی داشته است.

بررسی این مباحث و تحقیق پیرامون موضوع اسلام در روسیه، عنوان کتاب اخیر خانم شیرین هانتز می‌باشد. وی که از جمله محققین مسایل اوراسیا است، مسئولیت برنامه مطالعات اسلامی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل را عهده‌دار بوده و مدتی نیز در مرکز مطالعات سیاست اروپایی بروکسل مشغول به کار

بوده است. نامبرده دارای تألیفاتی در خصوص ایران، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و مباحث اسلامی می‌باشد. از دیگر آثار وی می‌توان به «اسلام دین دوم اروپا» (۲۰۰۲)؛ «اسلام و غرب: برخورد تمدن‌ها یا همزیستی مسالمت‌آمیز؟» (۱۹۹۸)؛ «آسیای مرکزی از بدو استقلال» (۱۹۹۶) اشاره نمود.

کتاب «اسلام در روسیه» در سه بخش و یازده فصل تدوین یافته و با نتیجه‌گیری و ضمائم آن بالغ بر ۵۶۶ صفحه می‌گردد.

در بخش نخست، تحت عنوان «اسلام در روسیه، گذشته و حال»، فصل اول به موضوع «اسلام در روسیه: پیشینه تاریخی» اختصاص یافته و طی آن مباحثی نظیر استیلای مغولان و اسلام؛ اسلام و امپراتوری روسیه؛ پویایی سیاسی مسلمانان در روسیه طی سالهای ۱۴-۱۹۰۵؛ اسلام و بلشویک‌ها؛ اسلام و تجربه شوروی؛ اسلام در دوره گورباچف مورد توجه قرار گرفته است. از مجموع مباحث این فصل چنین نتیجه‌گیری شده است که طی مدت چند قرن، اسلام و مسلمین کم و بیش در زمره همسایگان دور دست روسیه محسوب می‌شدند. آشنایی مردم روسیه با اسلام حاصل تهاجم مغولان و انقیاد این کشور توسط مردمی بوده که بعدها به اسلام گرویدند. در مرحله بعد، گسترش اسلام در روسیه ناشی از بسط قدرت این کشور در سرزمینهای مسلمانان بوده است. مشخصه رفتار و برخورد روسیه با اسلام و مسلمانان طی پانصد سال گذشته، اغلب توأم با منکوب ساختن و تلاش برای حذف آنان، به‌ویژه در دوره کمونیست‌ها، بوده است. البته این سیاست کلی، در مواقعی دچار تشتت شده و رویه تحمل و بردباری بجای آن در پیش گرفته می‌شد. چنین دورانی امکان ادامه بقای اسلام در روسیه را امکان‌پذیر می‌نمود.

در فصل دوم، با موضوع اسلام در روسیه پس از شوروی، تعداد مسلمانان با نگرشی به آینده از بُعد جمعیت‌شناسی؛ پراکندگی جغرافیایی مسلمانان روسیه؛ توسعه زیرساختارهای مادی و فکری اسلام، جنبش‌های سیاسی مسلمانان؛ وجوه مختلف اسلام روسی؛ اسلام و گروه‌های تندرو اسلامی در فدراسیون روسیه؛ سیمای نوین اسلام روسی؛ نمود اقتصادی مسلمانان روسیه؛ نهاد مسلمانان و جامعه و دولت روسیه و چند عنوان دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان این فصل گفته شده است که مسلمانان پس از جدایی جمهوری‌های مسلمان از پیکره شوروی سابق نیز اقلیت عمده‌ای را در فدراسیون روسیه تشکیل می‌دهند. در صورت تداوم روندهای جمعیتی، ممکن است بر اهمیت عامل اسلامی افزوده شود. اسلام در دوره پس از شوروی، از توسعه کمی و کیفی برخوردار گردیده و مسلمانان آزادی‌های مذهبی بیشتری نسبت به گذشته بدست آورده‌اند. با این وجود، اسلام هنوز به عنوان بخشی پذیرفته شده از بافت فرهنگی روسیه تلقی نمی‌گردد.

در بخش دوم، بحث خط‌مشی‌های سیاسی روسیه در زمینه هویت با نگرشی به عامل اسلامی مدنظر می‌باشد. در فصل سوم کتاب، به عنوان نخستین زیرمجموعه این بخش، تحول هویت ملی روسیه در دوره پس از شوروی با در نظر گرفتن عامل اسلامی و موضوعات ذیل مورد بررسی قرار گرفته است: اتحاد شوروی، امپراتوری استعماری؟؛ آیا روسیه همان راه شوروی را ادامه می‌دهد؟؛ ملی‌گرایی و هویت ملی: مفاهیم مورد اختلاف؛ تحول هویت روسی بر مبنای عوامل قومی و مذهبی؛ نقش «دیگران» در شکل‌گیری هویت روسی؛ اسلام به عنوان خصمی «دیگر»؛ جنگ چچن و نتایج آن؛ اندیشه سیاسی روسیه در دوره پس از شوروی؛ پوتین و دیدگاه او در خصوص ملی‌گرایی روسی و هویت ملی؛ مذهب، قومیت و شکل‌گیری هویت در میان مسلمانان روسیه.

خلاصه مطالب این فصل حاکی از آن است که با فروپاشی شوروی و آغاز بحث هویت روسی، هویت سنتی مسلمانان روسیه از نو مطرح و به تشدید خواستهایی پیرامون خودمختاری‌ها و بطور مشخص آزادی‌های بیشتر در جهت انجام اعمال اسلامی و کسب جایگاه مشروع آنها در چارچوب چشم‌انداز اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روسیه منجر گردید. بحث پیرامون هویت روسی در دوره پس از شوروی بر سه محور متمرکز می‌باشد: نقش فرهنگ روسی چیست؟ روسیه از لحاظ فرهنگی به کجا تعلق دارد؟ آیا روسیه باید غرب را الگو قرار داده و یا راه خاص خود را پیدا نماید؟ بسیاری از روس‌ها هنوز با جنبه‌های مختلف فرهنگ غرب چندان خو نگرفته‌اند و مایل نیستند که اصالت فرهنگی آنان تحت الشعاع فرهنگ غرب قرار گیرد. مشکلات

روسیه با بخش‌هایی از جمعیت مسلمان و قلمرو این کشور همراه با نگرانی ناشی از تهدیدات امنیتی و فرهنگی از ناحیه مسلمانان پیرامونی، موجب آن شده است تا بسیاری از روس‌ها، غرب را بیشتر به صورت یک هم‌فرهنگ و هم‌پیمان طبیعی تا به عنوان یک حریف بنگرند و این نگرش به‌ویژه در برابر تهدیدی واقعی یا خیالی از سوی اسلام حائز اهمیت می‌باشد.

همچنین، با اشاره به مناسبات گذشته ایران و روسیه، افزوده شده است که در دهه ۱۹۴۰ اتحاد جماهیر شوروی (سابق) با ایجاد رژیم‌های دست‌نشانده در آذربایجان و کردستان ایران سعی بر آن داشت تا ایران را تجزیه نماید. در ادامه با بازگو نمودن نگرانی مسکو از ارتباطات مسلمانان غیر ترک روسیه با هم‌نوعان آنها در مناطق همجوار، نگرانی ژیرینوفسکی نسبت به آنچه که تمایل ایران برای ایجاد یک ایران بزرگتر توصیف شده، مطرح گردیده است.

در فصل چهارم، با عنوان تحول فدراسیون روسیه: عامل اسلامی؛ مباحثی مانند فدرالیسم شوروی، خودمختاری قومی در برابر نقش مرکز مدار، گورباچف و ظهور ملی‌گرایی قومی، یلتسین و تمرکززدایی دولت روسیه، چالش مسلمانان با نقش مسکو، تأکید پوتین بر اقتدار مرکزیت و نقش ملیت‌های اسلامی در دولت متمرکز روسیه مورد بررسی قرار گرفته است. مطالب این فصل حاکی از آن است که چالش ناشی از بروز جنبش‌های ملی‌گرایانه، بیشتر در مناطق مسلمان نشین روسیه، به‌ویژه چچن که جدایی‌طلبان تا حدودی زیر لوای اسلام مبارزه می‌نمایند، بر تحول فدرالیسم روسیه در دوره پس از شوروی و روند اخیر در خصوص تمرکزگرایی مجدد، تأثیر داشته است. چنین روندی خود به خود مستلزم دوری از دموکراسی و یا تکثر فرهنگی نمی‌باشد. بدون هرگونه تعهدی برای حفظ سیستم سیاسی و محیط اجتماعی که در آن اقلیت‌های ملی بتوانند با آرامش خاطر به آداب و رسوم خود عمل نمایند، تمایلات تمرکزگرایی می‌تواند به سرکوب و همگونی ناخواسته منجر گردد. تحول ملی‌گرایی و هویت روسی، به‌ویژه از زمان شروع مجدد جنگ در شمال قفقاز در سال ۱۹۹۹، ویژگی قوم‌گرایی و تک‌فرهنگی به خود گرفته است و به استقلال فرهنگی اقلیت‌ها آسیب می‌رساند. روسیه در سالهای آتی با چالش بزرگی روبرو می‌باشد که در آن، حفظ تمامیت (ارضی و سیاسی) کشور

همراه با خودمختاری کافی برای اقلیت‌های قومی و مذهبی و حمایت از حقوق آنان مدنظر خواهد بود.

موضوع فصل پنجم، مردم سالاری و سیاست چندحزبی در روسیه پس از شوروی با نگرشی به تأثیر وارده بر مشارکت و بسیج سیاسی مسلمانان است که در آن بافت اسلامی، موقعیت روسیه، احزاب و جنبش‌های اسلامی در سیاست ملی و احزاب اسلامی در جمهوری‌های مسلمان روسیه مورد توجه قرار گرفته و گفته شده است که سازمان‌های سیاسی اسلامی نتوانسته‌اند متناسب با میزان آراء، نفوذی در سیاست‌های روسیه داشته باشند. دلیل اصلی این ناکامی، تشدّد داخلی میان مسلمانان می‌باشد که مانع ایجاد وحدت میان رأی‌دهندگان مسلمان، حتی در سطوح منطقه‌ای، شده است. همچنین، محیط سیاسی روسیه در دوره پس از شوروی، کارایی احزاب سیاسی و به‌ویژه احزاب مرتبط با اقلیت‌های قومی و مذهبی را محدود ساخته است. با بروز موانعی جدید در راه شکل‌گیری احزاب سیاسی در دوره پوتین، آینده احزاب متکی بر اسلام و یا هویت قومی مسلمانان، نامطلوب خواهد بود.

بخش سوم کتاب با عنوان روسیه و اسلام، بحث عامل اسلامی را در روابط خارجی روسیه مدنظر قرار داده و طی شش فصل باقی مانده به آن می‌پردازد.

فصل ششم به بررسی تحول چشم‌انداز سیاست خارجی روسیه در دوره پس از شوروی اختصاص یافته و به تأثیر جغرافیا، تجربه تاریخی، هویت ملی، ایدئولوژی/سیستم ارزشی، بافت داخلی، محدودیت منابع و نتایج آن، تأثیر عوامل سیستمی و دکترین‌های سیاست خارجی روسیه در دوره پس از شوروی، نظر می‌کند.

مجموع مباحث این فصل گویای آن است که تحول دکترین‌های سیاست خارجی روسیه پس از دوره شوروی و راهبردهای ناشی از آن، مراحل متعددی را پشت سر گذاشته و بازتابی از تأثیر مباحثات مربوط به هویت ملی و تحولات خارجی، به‌ویژه نتایج عینی هر یک از این استراتژی‌ها می‌باشد. دوره نخست مربوط به سیاست خارجی و داخلی غرب‌گرای کوتاه‌مدتی بوده که کوتاهی آن بدلیل نادیده گرفتن عوامل جغرافیایی، تاریخی، جمعیت‌شناسی و

روانشناسی بوده است. همچنین سیاستی ساده‌لوحانه نیز محسوب می‌شد، زیرا علاوه بر بی‌توجهی به تفاوت‌های آشکار روسیه با غرب، چنین القاء می‌نمود که گرایش به سمت غرب، روسیه را سریعاً به کشوری پیشرفته و هم‌پایه آمریکا و اروپا مبدل خواهد ساخت.

وجه مشخصه دوره دوم، عدم واقع‌بینی ژئوپلتیک، اقتصادی و فرهنگی است. زیرا در تلاش برای احیای امپراتوری سابق در قالبی نوین، تغییرات ژئوپلتیک حاصل از فروپاشی شوروی، از جمله دخالت هرچه بیشتر بازیگران خارجی در کشورهای جانشین شوروی که توان روسیه را برای شکل دادن به رویدادها دچار محدودیت می‌نماید، نادیده گرفته شده بود.

دوره سوم استراتژی سیاست خارجی در دوره پس از شوروی، یعنی چندقطبی بودن، نیز حاصل درک نادرست واقعیت‌های اقتصادی، راهبردی و فرهنگی جهان بوده است.

دوره چهارم سیاست خارجی روسیه در پی تصمیم این کشور برای پیوستن به آمریکا و اروپا در جنگ علیه تروریسم بین‌الملل، با شروع عملیات نظامی علیه رژیم طالبان و شبکه تروریستی القاعده در افغانستان، آغاز گردید.

در این فصل، در بحث جهان چند قطبی و اسلام، ضمن اشاره به مثلث روسیه - چین - ایران، گفته شده است که مفهوم جهان چندقطبی، مطلوب نظر ایران، به‌ویژه عناصر محافظه‌کار مخالف سازش با آمریکا، می‌باشد. در ادامه مطلب به موضوع سفر مقامات دو کشور و تردید مسکو (با در نظر گرفتن روابط روسیه - آمریکا) اشاره گردیده است.

در فصل هفتم، با موضوع نقش اسلام در شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه در دوره پس از شوروی، سه محور روسیه و جهان اسلام پیش از سال ۱۹۱۷، انقلاب‌های صورت گرفته در شرق و نتایج آن بر روابط روسیه - اسلام در دوره پس از تزار و سرانجام روابط شوروی - اسلام و میراث آن برای روسیه، مورد توجه واقع شده و چنین بیان گردیده است که اسلام اغلب به عنوان سدی در برابر دستیابی امپراتوری روسیه به اهداف خود و جاه‌طلبی‌های عقیدتی و قدرت‌طلبی اتحاد شوروی بوده است. موفقیت شوروی در ایجاد منافع مشترک با مسلمانان صرفاً محدود به مواقعی بوده که از تمایل مسلمانان برای نیل به استقلال و نارضایتی آنان نسبت به سایر قدرتهای

استعماری، به‌ویژه انگلستان و آمریکا، ماهرانه استفاده می‌کرده است.

در مبحث انقلاب‌های شرق و نتایج آن بر روابط روسیه و اسلام بعد از دوره تزار، ضمن تصریح بر این مطلب که ریشه حرکت اساسی ایرانیان به جنبش تنباکو برمی‌گردد، به رویدادهای تأثیرگذار بر روابط روسیه، شرق و جهان اسلام اشاره شده است. در ادامه مطلب، در مروری بر وقایع سالهای ۲۱-۱۹۱۷ چنین آمده است که متعاقب ناکامی بلشویک‌ها برای برپایی قیام‌های مردمی در شرق، شوروی سابق سیاست دو وجهی را در قبال جهان اسلام اتخاذ نمود که تا زمان فروپاشی آن کماکان ادامه داشت. به دلیل سلطه امپراتوری عثمانی بر سرزمینهای عربی و نقش سلطان به عنوان «خلیفه» یعنی رهبر روحانی مسلمین، بسیاری از انقلابیون روسی، ترکیه را کلید نفوذ خود در جهان اسلام تلقی می‌کردند، در حالی که ایران بهترین فرصت را برای آنان فراهم می‌نمود.

سیر تحولات منتهی به برپایی حزب کمونیست در ایران، میرزا کوچک خان جنگلی و عملکرد بلشویک‌ها در این خصوص، قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی، تهاجم متفقین به ایران، اشغال شمال ایران توسط قوای روسی و وقایع آذربایجان و کردستان، از دیگر مطالب مطرح شده در این فصل می‌باشد.

در خصوص انقلاب اسلامی نیز چنین بیان شده است که مهیج‌ترین ظهور مجدد و احیای اسلام، انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ بود که اگر چه جدی‌ترین چالش فراروی غرب محسوب می‌شد ولی وضع دشواری را برای شوروی سابق بوجود آورد. سپس وجه مشخصه‌هایی از انقلاب اسلامی مورد تشریح قرار گرفته و با استناد به نوشته‌ای از یوگنی پریماکف گفته شده است که پدیدار شدن جنبش‌های اسلامی به منزله نومی‌دی از الگوی توسعه کاپیتالیستی و رد آن تلقی می‌شود.

موضوع فصل هشتم، سیاست روسیه نسبت به آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد که طی آن، تأثیر اسلام در سیاست روسیه نسبت به آسیای مرکزی و ماورای قفقاز و اسلام، روسیه و ماورای قفقاز پس از ۱۱ سپتامبر مورد بررسی قرار گرفته است.

خلاصه مطالب این فصل بیانگر آن است که به زعم نویسنده، عامل اسلامی به صورت تهدید رایج در زمینه افراط‌گرایی اسلامی به تحکیم موقعیت روسیه در آسیای مرکزی و توسعه شبکه همکاری‌های امنیتی با دولت‌های این منطقه، کمک نموده است. ضمناً تسهیلاتی برای تداوم حضور نیروهای نظامی روسیه در منطقه و به‌ویژه تاجیکستان فراهم ساخته است. در قفقاز جنوبی، عامل اسلامی تا حدودی به دلیل مشکلات روسیه با شهروندان مسلمان خود در قفقاز شمالی، به صورت متغیری منفی در تعامل روسیه با منطقه عمل نموده است.

در این فصل، نویسنده در خصوص سیاست جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز، با ذکر دلایلی چند، تصریح می‌نماید که ایران در استفاده از عامل اسلامی در این منطقه، با مآل‌اندیشی عمل می‌نماید.

فصل نهم، به بررسی روابط روسیه با چهار کشور ایران، ترکیه، پاکستان و افغانستان اختصاص یافته است. این چهار کشور به دلیل همجواری با جمهوری‌های شوروی سابق در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز پیوندهای تاریخی، قومی، زبانی و مذهبی با این کشورها، از اولویت بالایی در دیپلماسی روسیه در دوره پس از شوروی برخوردارند. با وجود مشابهت‌هایی میان این چهار کشور، ماهیت روابط آنها با روسیه کاملاً متفاوت بوده است. عامل اسلامی تأثیر مهمی در روابط روسیه با چهار کشور یاد شده داشته است، البته این تأثیر به دلیل اهمیت اسلام در تعیین خط مشی سیاسی هریک از این کشورها در مقابل روسیه و مسایل و مناطق مورد علاقه مسکو، به‌ویژه مناقشه چین، اهمیت استراتژیکی و اقتصادی این کشورها برای روسیه و موضع قدرتهای بزرگ، مخصوصاً آمریکا، نسبت به این کشورها، متفاوت بوده است. روی این اصل، شدیدترین تأثیر عامل اسلامی در روابط روسیه با افغانستان و پاکستان بخاطر حمایت آنان از شورشیان چین و نیز عناصر افراط‌گرا و گروه‌های اسلامی در سایر بخش‌های فدراسیون روسیه و آسیای مرکزی، بوده است.

نویسنده در این فصل ادعان داشته است که با وجود همراهی دولت ایران با روسیه، از جمله موضع این کشور در خصوص مشکل چین، عامل اسلامی تأثیری منفی به شکل بدگمانی



نسبت به رژیم‌هایی که با وجود تأثیرپذیری سیاست خارجی آن از جنبه‌های عمل‌گرایی، سیستم سیاسی خود را بر مبنای اسلام قرار داده، داشته است. سیاست آمریکا در جهت منزوی ساختن ایران، مهمترین عامل محدودکننده توسعه روابط روسیه و ایران بوده است.

جنبه‌های مختلف مناسبات ایران و روسیه، حوزه‌های همگرایی و واگرایی منافع روسیه و ایران، الزامات اقتصادی، موانع مشارکت واقعی دو کشور و روابط روسیه و ایران پس از ۱۱ سپتامبر از دیگر موارد مورد بررسی در این فصل بوده است.

در فصل دهم، که به موضوع روابط روسیه با جهان عرب و بالکان مربوط می‌گردد، ضمن مروری بر روابط روسیه با جهان عرب در دوره پس از شوروی و نیز سیاست روسیه در بالکان، خاطر نشان شده است که عامل اسلامی تأثیرات مختلفی بر روابط روسیه با اعراب، به‌ویژه در قضیهٔ چین، داشته است. این عامل در خصوص عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأثیر منفی شدیدی از خود برجای گذاشته، در حالی که در مورد مصر و اردن، اهمیت حاشیه‌ای داشته است. در جریان جنگ عراق، عامل اسلامی به شکل ابراز تنفر گسترده مسلمانان روسیه نسبت به این جنگ، نقش مهم و البته نه چندان عمده‌ای را در رویکرد روسیه در برابر آن داشته است. از آن جایی که مخالفت روسیه با این جنگ، در گرم‌تر شدن روابط این کشور با جهان عرب مؤثر بوده است، لذا می‌توان چنین گفت که در این چارچوب، عامل اسلامی تأثیر مثبتی در شکل‌گیری روابط روسیه با جهان عرب بجای گذاشته است.

موضوع فصل یازدهم، روابط روسیه با غرب بوده و طی آن، برخورد تمدن‌ها به عنوان الگوی جدید: تهدید اسلام و نیز اسلام به عنوان منبع ناسازگاری و همکاری مورد توجه قرار گرفته و گفته شده است که تأثیر عامل اسلامی بر روابط روسیه و غرب در دورهٔ پس از شوروی، سه ماهیت عمده در بر داشته است. نخست اینکه، تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عامل اسلامی نقش محدودی در روابط روسیه با غرب ایفاء نموده که بیشتر در سطوح منطقه‌ای و در قالب مسایل مشکلات منطقه‌ای جلوه‌گر شده است. دوم آنکه، غرب پیش از روسیه از عامل اسلامی به صورت ابزاری برای اعمال نفوذ و وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خود بهره‌مند شده است و بالاخره سوم

آن که اسلام به صورت عاملی متحدکننده و در عین حال تفرقه‌انگیز در روابط روسیه با غرب عمل نموده که توان آن در زمینه ایجاد اتحاد، تا زمانی که روسیه و غرب آماج انزجارهای مسلمان باشند، می‌تواند مهمتر باشد.

نظرات متفاوت مسکو و واشنگتن در خصوص ایران، مخالفت آمریکا با فروش تسلیحات روسی به ایران و ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر توسط روسیه، توافق گور - چرنومردین، فعالیت ایران در زمینه استفاده از انرژی هسته‌ای و تبعات آن در مناسبات آمریکا و روسیه، ایران و حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی، ایران و گروه‌های مسلمان تاجیکستان و افغانستان مسئله‌چین از دیگر موارد مورد اشاره در این فصل می‌باشد.

در جمع‌بندی پایانی چنین گفته شده است که، اسلام در روند شکل‌گیری هویت، ساختار کشور، دیدگاه جهانی و نیز تعامل روسیه با جهان خارج، نقش مهمی را ایفاء نموده است. نیروی محرکه تحول هویت فرهنگی، ملی و سیاسی مسلمانان روسیه عمیقاً تحت تأثیر پیوستگی آنان با امپراتوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی سابق، فشارهای وارده برای جذب آنان، پایداری جهت از دست ندادن هویت خودشان و تلاش‌های مقطعی برای کسب خودمختاری بیشتر، بوده است. در پی روندهای لیبرالی سالهای پایانی اتحاد شوروی و اوایل دوره پس از شوروی، محرکات مشابهی در اوج‌گیری خواست مسلمانان برای خودمختاری و تلاش دولت روسیه جهت فرونشاندن آن، از جمله توسل به زور مانند قضیه چین، دخیل بوده است. اسلام بر تحول سیاست خارجی و چشم‌اندازهای امنیتی روسیه در دوره پس از شوروی و ماهیت روابط این کشور با بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، تأثیرگذار بوده است.

سعید نقی‌زاده - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز